



10.30495/QSF.2023.1965735.2919

Research Article

Surah Motafin's Stylistics Based on Three Phonetic, Hybrid and Rhetorical Levels

Seyed Majid Nabavi^{1*}, Samayeh Azaddel², Mahsa Ghorbani³

Abstract

It is a scientific stylistics that, by examining the descriptions and analysis, reaches the literary aspects of a text and convey the meanings and concepts of a literary text to the reader clearly. The Holy Qur'an, a divine miracle, has attracted the attention of stylistics as a literary text, especially in recent years. This article seeks to examine Surah Motafin in three phonetic, hybrid and rhetorical levels by using a descriptive-analytical method and using stylist knowledge to exist in the literary and semantic aspects of Surah. In Surat al -Motafin at the phonetic level, by applying a rhetoric, the surah and the audience attracts the audience. At the combination level, using sentences such as presenting and delays, the line of beliefs and beliefs draws the polytheists. At the rhetorical level, it also points to the use of God's ownership and that everything is in the permission of God. At the combination level, using sentences such as presenting and delays, the line of beliefs and beliefs draws the polytheists. At the rhetorical level, it also points to the use of God's ownership and that everything is in the permission of God.

Keywords: Stylogy, Surah Motafin, Phonetic Surface, Hybrid Level, Rhetorical Level

How to Cite: Nabavi SM, Azaddel S, Ghorbani M., Surah Motafin's Stylistics Based on Three Phonetic, Hybrid and Rhetorical Levels, Journal of Quranic Studies Quarterly, 2023;14(54):1-16.

1. Secretary of the Qur'an and Hadith Department of the Organization, Tehran, Iran
2. Master's student, Shahid Madani University of Azerbaijan, Tabriz, Iran
3. Instructor, Shahid Madani University of Azerbaijan, Tabriz, Iran

Correspondence Author: Seyed Majid Nabavi

Email: majidnabavi1366@gmail.com

Receive Date: 18.08.2022

Accept Date: 11.01.2023



بررسی سبک شناسی سوره مطفین بر اساس سه سطح آوایی، ترکیبی و بلاغی

سیدمجید نبوی^{*۱}، سمیه آزاددل^۲، مهسا قربانی^۳

چکیده

سبک شناسی علمی است که با بررسی توصیف‌ها و تحلیل‌ها به جنبه‌های ادبی موجود در یک متن می‌رسد و معانی و مفاهیم یک متن ادبی را به طور واضح و روشن به خواننده انتقال می‌دهد. قرآن کریم، که یک معجزه الهی است، به عنوان یک متن ادبی به خصوص در سال‌های اخیر مورد توجه سبک‌شناسان قرار گرفته است. این مقاله به دنبال آن است که با روش توصیفی-تحلیلی و با استفاده از دانش سبک‌شناسی، سوره مطفین را در سه سطح آوایی و ترکیبی و بلاغی مورد بررسی قرار دهد تا از این طریق به جنبه‌های ادبی و معنایی سوره پی‌ببرد. در سوره مطفین در سطح آوایی با به کارگیری سجع، سبب آهنگین بودن سوره و جذب مخاطب می‌شود. در سطح ترکیبی با به کار بردن جملاتی مانند تقدیم و تأخیرها خط بطلانی بر روی باورها و عقاید مشرکان می‌کشد. در سطح بلاغی نیز با به کارگیری اسلوب حصر مالکیت خداوند و اینکه همه چیز به اجازه خداوند است، اشاره می‌کند.

واژگان کلیدی: سبک‌شناسی، سوره مطفین، سطح آوایی، سطح ترکیبی، سطح بلاغی

۱. دبیر گروه قرآن و حدیث سازمان، تهران، ایران

۲. دانشجوی کارشناسی ارشد، دانشگاه شهید مدنی آذربایجان، تبریز، ایران

۳. مربی، دانشگاه شهید مدنی آذربایجان، تبریز، ایران

نویسنده مسئول: سیدمجید نبوی

ایمیل: majidnabavi1366@gmail.com

مقدمه و بیان مسئله

سبک‌شناسی شیوه خاص اندیشه و آمیختن آن با فکر و نگارش یک متن است که امروزه به عنوان یکی از روش‌های تحلیل متون ادبی به کار می‌رود. سبک‌شناسی به بررسی زیبایی‌های منحصر به فرد چینش کلام در آثار برجسته و هنری می‌پردازد و تمایزات یک متن ادبی را از دیگر متون مشخص می‌سازد. به عبارت دیگر سبک‌شناسی به خواننده کمک می‌کند تا نوشته‌های ادبی بهتر درک شوند. قرآن نیز به عنوان یک متن مقدس دارای نکات ادبی دقیق و بلیغ و دارای فصاحت و بلاغت و دارای مفاهیم ژرف و عمیق است و علم سبک‌شناسی کمک می‌کند تا این نکات بهتر درک شوند.

در سبک‌شناسی مجموع کلمات و لغات و طرز ترکیب آنها از لحاظ قواعد زبان و مفاد معنی هر کلمه و عبارت از منظر گوینده بررسی می‌شود. همچنین سبک‌شناسی علم مطالعه و بررسی شیوه‌های بیان هنری و ادبی است و از بسیاری جهات شکل توسعه یافته بلاغت در سنت کلاسیک می‌باشد. سبک‌شناسی به عنوان یکی از زیرشاخه‌های زبان‌شناسی در چند قرن اخیر مورد توجه قرار گرفته است. البته بیشتر توجه سبک‌شناسان به شعر و نثر بوده است و ضرورت دارد که در حوزه قرآن مباحث سبک‌شناسی بیش از پیش مورد توجه قرار گیرد. چرا که قرآن کریم دارای ویژگی‌های منحصر به فرد است و خداوند متعال به تفکر و تدبیر در این کتاب ارزشمند و بهره‌مندی از آن توصیه و تأکید نموده است.

علم بلاغت با سبک‌شناسی ارتباط تنگاتنگی دارد. بلاغت بیشتر در گذشته به تصاویر فنی و ترکیبات زبان و انواع آرایه‌های ادبی متمرکز شده است، همین تمرکز در حقیقت محوری اساسی برای درک متون ادبی و تحلیل عناصر آن است؛ زیرا تصویرهای هنری و آرایه‌های بدیعی در اصل نوعی از ترکیب‌های لغوی ویژه هستند. در حقیقت نخستین توجه کنندگان به سبک، دانشمندانی بودند که به بررسی شیوه‌های سخنوری و فصاحت و بلاغت پرداختند و نخستین کسی که در این زمینه نام و اثری از وی بجا مانده، ارسطو است. (غیاثی، ۱۳۷۳: ۵۰) علم سبک‌شناسی با علم بلاغت رابطه نزدیکی دارد؛ «علمای علم بلاغت مانند سبک‌شناسان امروزی به بررسی متون آثار ادبی می‌پرداختند. آنان در آغاز به رصد و شناخت شیوه‌های بیان هنری همت گماشته بودند؛ ولی طولی نکشید که این علم فقط به بیان معیارها و قواعد پرداخت. علمای بلاغت خود را مسئول تعلیم چگونگی آفرینش ادبی می‌دانستند و اندیشه‌هایشان را به شکل قوانین تجویزی به ادیان و مخاطبان تحمیل می‌کردند. گویا راهی برای آفرینش اثر ادبی نبود جز شیوه‌ای که بلاغیون معرفی می‌کردند. این گونه شد که علمای بلاغت خود را از حوزه ارزشگذاری و سنجش آثار ادبی بیرون کشیدند و به آموزش قواعد و قوانینی خاص که خودشان بنا نهاده بودند. همین مسئله جوهره اصلی تفاوت بلاغت با سبک‌شناسی است شروع کردند

؛ چرا که در اولی تعلیم معیار و قواعد وجود دارد؛ ولی دومی به شناخت و ارزشگذاری آثار ادبی می پردازد.» (صدقی و دیگران، ۱۳۹۱: ۱۷۲)

به طور کلی «بحث اساسی در سبک شناسی ساختارگرا این است که هیچ جزئی به تنهایی معنادار نیست، بلکه باید هر جزء اثر را در ارتباط با اجزای دیگر آن و در نهایت کل سیستم در نظر گرفت. این متن پژوهشی در شیوه دانشمندان اسلامی درباره قرآن مشاهده می شود.» (دیانتی، ۱۳۷۵: ۱۳۰/۲) به نظر می رسد که سوره مطففین مؤلفه های سبک شناسی را دارد همچنین نقش های زبانی موجود در این سوره مبارکه قابلیت بحث بر اساس سبک های ادبی را دارد بنابراین در این پژوهش سوره مبارکه مطففین به کمک علم سبک شناسی بررسی می شود؛ در سطح آوایی مباحثی همچون سجع آیات و آوای ناشی از تکرار واژگان و در سطح ترکیبی جملات انشایی مخصوصا استفهام که نمود بیشتری پیدا کرده است و در سطح بلاغی حصرها و تضادها و عرف جملات انشایی مورد توجه قرار گرفته است. این تحقیق در صدد پاسخ گویی به سوالات زیر است:

مفهوم و معنای سوره مطففین با چه الفاظ و عناصری به خواننده منتقل شده است؟ این سوره در سطح آوایی، ترکیبی و بلاغی چگونه و با چه سبکی ارائه شده است؟

پیشینه پژوهش

در زمینه سبک شناسی قرآن پژوهشهایی مانند: «عجاز القرآن و البلاغه النبویه» اثر مصطفی صادق الرافعی «من بلاغۃ القرآن» اثر احمد بدوی، کتاب «التصویر الفنی» اثر سید قطب وجود دارد. اما در مورد تحقیقات مستقل درباره سبک شناسی قرآن می توان به کتاب «سبک شناسی قرآن کریم» اثر عبدالرؤف حسین اشاره کرد. همچنین مقالاتی نیز درباره سبک شناسی سوره های قرآن به چاپ رسیده است که این مقالات عبارتند از: سوره مبارکه الرحمن از منظر سبک شناسی (۱۳۹۲ش)، علی نظری، افتخار لطفی، سبک شناسی سوره مریم (ع) (۱۳۸۹ش)، محمد خاقانی اصفهانی، محمد جعفر اصغری، لسان مبین، بررسی سوره «عبس» از دیدگاه سبک شناسی گفتمانی میشل فوکو (۱۳۶۳ش) محمد جرفی، عباد محمدیان، پژوهش های ادبی - قرآنی. سبک شناسی سوره واقعه بر اساس تحلیل زبانی (۱۳۹۷ش)، پرویز آزادی، سهیلا نیکخواه پژوهش های زبان شناختی قرآن. نگاهی سبک شناختی به سوره یس با تکیه بر دیدگاه های ساختارگرایی (۱۳۹۵ش)، علی خضری، رسول بلاوی و آمنه فروزان کمالی، پژوهش های ادبی - قرآنی و سبک شناسی سوره جمعه (۱۳۹۵ش)، مرتضی ساز جینی، عباس یوسفی تازه کندی، سراج منیر. تحلیل سبک شناسی سوره نجم (۱۳۹۹ش) حسین مهندی، زهرا رنجبر، دو فصلنامه سبک شناسی قرآن کریم. همچنین پایان نامه ای با عنوان سبک شناسی آیات ترغیب و ترهیب در قرآن کریم (مطالعه موردی در پنج سوره محمد،

ذاریات، مجادله، معارج و مطففین) دانشجو: آزاده شه بخش، استاد مشاور: خلیل پروینی، استاد راهنما: عیسی متقی زاده وجود دارد که تنها به آیات ترغیب و ترهیب و آن هم گزینشی می پردازد پس از بررسی ها می توان گفت تاکنون تحقیقی درباره سبک شناسی سوره «مطففین» براساس سه سطح آوایی، ترکیبی و بلاغی انجام نشده است بنا براین، تحقیق پیش رو اولین بار به شکل نگارش مستقل انجام می شود به همین جهت دارای نوآوری است.

مفهوم سبک شناسی

سبک در اصطلاح ادبی، به معنای طرز خاصی از نظم و نثر است که معادل style اروپایی باشد. Style خود از ستیلوس یونانی گرفته شده است؛ به معنای آلتی فلزی یا چوبین که به وسیله آن حروف و کلمات را بر روی الواح مومی نقش می کرده اند. امروز هم ایرانیان به «قلم» معنایی شبیه به سبک می دهند و می گویند: «فلان کس خوب قلمی دارد». (محمدتقی؛ ۱۳۴۹، مقدمه جلد اول). به عبارت بهتر، سبک هر کس، روشی است که برای بیان اندیشه خود برمی گزیند؛ مشروط بر اینکه این روش را خود ابداع کرده باشد یا حداقل با روش دیگران متفاوت باشد. (محمدجعفر؛ بی نا، ص ۴۹ - ۵۱).

علاوه بر این درباره سبک گفته شده: «لفظ اسلوب (سبک) در زبان های اروپایی از اصل لاتین آن «stilus» به معنی قلم مو گرفته شده است. سپس از طریق مجاز به مفاهیمی که همه به روش کتابت و نوشتار مربوط می شوند، انتقال یافته است و ابتدا به روش کتابت دستی حاکم بر دست نوشته ها و سپس بر تعبیرات زبانی ادبی اطلاق می شود». (فضل، ۱۹۹۸: ۹۳) واژه سبک شناسی معادل لفظ «stylistics» است به معنای بررسی ویژگی های سبکی یک نویسنده معین در قلمرو کاری معین مثل روزنامه نگاری و حقوق یا در حوزه های معین. (قاموس، آکسفورده واژه stylistic) با توجه به نگاه های مختلف نسبت به سبک شناسی تعاریف گوناگونی نیز از آن بیان شده است: برخی مثل جوسف میستریک در تعریف سبک شناسی به بررسی گزینش ها و شگردهای زبانی تکیه دارند و می گویند: «سبک شناسی عبارت است از بررسی گزینش ها و روش های استفاده از زبان شناسی، فرازبان و شگردهای شناخت زیبایی ها، صناعات و شگردهای خاصی که در ارتباط کلامی به کار می رود». (فتوحی، ۱۳۹۱: ۹۲) اما طبق نظر صلاح فضل در کتاب «علم الاسلوب» کامل ترین تعریف اصطلاحی برای سبک همانی است که ابن خلدون در کتاب المقدمه به آن اشاره کرده است: «سیک همان روشی است که ترکیب ها بر محور آن در هم تنیده می شوند و به نظم در می آیند و یا قالبی که ترکیب در آن ریخته می شود». (فضل، ۱۹۹۸: ۹۴)

تعریف سبک شناسی از دیدگاهی نو، بررسی شرایط کلامی و صوری ادبی است. این تعریف شامل دو زمینه است: اولاً موضوع سبک شناسی یک عمل است، چرا که سبک شناسی یک کار است. کار سبک شناسی بررسی متون ادبی است و سرشت ویژه آثار ادبی کار کرد شاعرانه است. منظور از کار کرد شاعرانه مفهوم یا کویستی آن است، یعنی آثار ادبی مقوله‌ای است ارتباطی و بنابر این دو طرف دارد: فرستنده و گیرنده. ادبیات کلامی است که تولید کننده و مصرف کننده دارد. کار نخست سبک‌شناسی بررسی این ارتباط است. زمینه دوم، سبک‌شناسی پژوهش منظم و همه جانبه و انحصاری مشخصه‌های بیانی ادیب است. به عبارت دیگر کار سبک شناسی تشخیص و برملا کردن چم و خم کاربردی کارکرد شاعرانه است و این چم و خم در دستگاه متن تجلی می‌یابد. سبک‌شناسی با محتوای ادبیات کاری ندارد، بلکه به محتوای بیان به عنوان ابزار صوتی با طرز واژه چینی می‌نگرد. (غیائی، ۱۳۷۳: ۴۹-۵۰)

نگاهی اجمالی به سوره مطففین

درباره نام این سوره باید گفت که این سوره را مُطَفِّفین نامیده‌اند؛ زیرا این کلمه در آغاز آن آمده است. (خرمشاهی، ۱۳۷۷ش، ۱۲۶۲/۲) و مطففین به معنای کم‌فروشان است. (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲، ۱/ ۵۲۱) درباره محل و ترتیب نزول سوره مطففین نیز باید گفت که این سوره، آخرین سوره از سوره‌های مکی و در ترتیب نزول هشتاد و ششمین سوره‌ای است که بر پیامبر(ص) نازل شده است. این سوره در چینش کنونی مُصَحَّف، هشتاد و سومین سوره است و در جزء سی‌ام قرآن جای دارد. (معرفت، ۱۳۷۱ش، ج ۱۶۷/۱).

علاوه بر این درباره تعداد آیات و ویژگی‌ها این سوره باید گفت که این سوره (مطففین) دارای ۳۶ آیه، ۱۶۹ کلمه و ۷۵۱ حرف دارد. این سوره جزو سوره‌های مُفَصَّلَات (دارای آیات کوتاه) است. (خرمشاهی، ۱۳۷۷ش، ۱۲۶۲/۲).

آقای خامه گر محتوای سوره مطففین را به شکل زیر تقسیم بندی می‌کنند
ایشان موضوع اصلی این سوره را «تأثیر عدم اعتقاد به قیامت در نادیده گرفتن حقوق دیگران» می‌داند و محتوای سوره را به دو گفتار اصلی و چند مطلب تقسیم می‌کند:

- گفتار اول: آیه ۱-۲۸ نادیده گرفتن حقوق مادی دیگران
مطلب اول: آیه ۱-۶ تأثیر عدم اعتقاد به قیامت در کم‌فروشی؛ مطلب دوم: آیه ۷-۱۷
نادرستی پندار منکران قیامت درباره عذاب گناهکاران؛ مطلب سوم: آیه ۱۸-۲۸ نادرستی پندار منکران قیامت درباره پاداش نیکان
گفتار دوم: آیه ۲۹-۳۶ نادیده گرفتن حقوق معنوی دیگران

مطلب اول: آیه ۲۹-۳۳ برخورد اهانت‌آمیز کافران با مؤمنان؛ مطلب دوم: آیه ۳۴-۳۶ تحقیر کافران و تکریم مؤمنان در روز قیامت (خامه گر، ۱۳۹۲، ذیل سوره مطففین)
این تقسیم بنده آقای خامه‌گر یک نگاه کلی از محتوای این سوره به مخاطب می‌دهد.
همچنین درباره موضوعات مطرح‌شده در این سوره هم می‌توان گفت که موضوعات مطرح‌شده عبارتند از: عبارت اند از: «۱- هشدار و تهدید شدیدی نسبت به کم‌فروشان؛ ۲- اشاره به این مطلب که گناهان بزرگ از عدم ایمان راسخ به رستاخیز سر چشمه می‌گیرد؛ ۳- بخشی از سر نوشت فجار در آن روز بزرگ؛ ۴- قسمتی از مواهب عظیم و نعمتهای روح‌پرور نیکوکاران در بهشت؛ ۵- اشاره‌ای به استهزای جاهلانه کافران نسبت به مؤمنان و معکوس شدن این کار در قیامت.» (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ۲۶: ۲۴۱)

درباره شأن نزول سوره مطففین این گونه نقل شده است: ابن عباس می‌گوید هنگامی که پیامبر(ص) وارد مدینه شد، بسیاری از مردم سخت به کم‌فروشی گرفتار بودند. خداوند این آیات را نازل کرد و آنان پذیرفتند و کم‌فروشی را ترک کردند. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ۲۶/۲۴۴). در کتاب مجمع البیان نیز آمده است مردی به نام ابوجهینه در مدینه زندگی می‌کرد که دو پیمانانه داشت: یکی کوچک و دیگری بزرگ. به هنگام خریدن از پیمانانه بزرگ استفاده می‌کرد و به هنگام فروش از پیمانانه کوچک. (طبرسی، ۱۳۷۲، ش. ۱۰/۶۸۷)

علامه طباطبایی می‌نویسد: آیه «وَ إِذَا مَرُّوا بِهِمْ يَتَغَامَزُونَ» در شأن مخالفین امام علی(ع) نازل شده است. نقل شده است روزی امیرالمؤمنین(ع) با چند نفر از مسلمانان نزد رسول خدا(ص) می‌آمدند. منافقان ایشان را مسخره کردند و خندیدند؛ سپس نزد همفکرانشان برگشتند و گفتند: ما امروز اصلح (کسی که جلو سرش مو ندارد. منظورشان امام علی بود) را دیدیم و به او خندیدیم. به دنبال این جریان بود که این آیه نازل شد. علامه طباطبایی می‌نویسد این روایت را زمخشری (مفسر اهل سنت) نیز نقل کرده است. (طباطبایی، ۱۳۷۴، ۲۰/۳۹۴)

اکنون با آشنایی اجمالی از سوره مطففین این سوره در سه سطح آوایی، ترکیبی و بلاغی از نظر سبک شناسی بررسی می‌شود.

سطح آوایی

اولین سطحی که در سطوح سبک شناسی مورد بررسی قرار می‌گیرد سطح آوایی است. «صوت» اصلی ترین جزء و زیر ساخت زبان محسوب می‌شود و در فهم و کشف عواطف و انفعالات درونی نویسنده اثر از جمله شادی و سرور، غم و اندوه و ... بسیار مؤثر است. هماهنگی میان اصوات و معانی‌شان در قرآن را می‌توان نوعی اعجاز دانست. رافعی این اعجاز را برخاسته از ترتیب حروف بر اساس اصوات

و مخارج آنها و هماهنگی این حروف با یکدیگر در نرمی و خشن ادا شدن حرف، آرامی و شدت، تفخیم و ترفیق، تکرار و ... می‌داند. (الرافعی، ۱۹۹۷م: ۱۶۹)

به طور کلی در این سطح صوت و موسیقی به دست آمده از عناصر به کار برده شده در متن و میزان تأثیر این عناصر بر مخاطب جهت القای معانی و سپس ارتباط بین این عناصر و معانی مورد بررسی قرار می‌گیرد.

با توجه به بررسی‌های انجام شده، در سوره مطفین از تهدید و هشدار به کم‌فروشان و سرانجام نیکان و بدان سخن به میان آمده الفاظ و اصواتی متناسب با این اصول به کار رفته است که در این قسمت به چند مورد از آنها اشاره می‌شود.

سجع (فاصله)

سجع آن است که کلمات آخر قرینه‌ها در وزن یا حرف روی یا هر دو موافق باشند. (الهاشمی، ۱۳۸۹: ۳۴۷/۲) به سجع‌های قرآن کریم به طور اختصار و به منظور احترام «افواصل» می‌گویند. (محمدی، ۱۳۸۹: ۳۱۲) تسجیع آن است که سخن را با سجع بیاورند، و آن سخن را مسجع و جمله‌های مشابه را قرینه می‌گویند. سجع آن است که کلمات آخر قرینه‌ها در وزن یا حرف روی یا هر دو موافق باشند. (عرفان، ۱۳۹۴: ۳۴۷) به طور کلی می‌توان گفت که، سجع ویژگی بنیادین زبان عربی است و میدان بروز و نمایش استعدادها و خلاقیت‌های ادبی عرب‌زبانان در کارکردهای گوناگون کلام است. اهمیت سجع تا بدان جاست که عموماً بزرگترین سخنوران عرب، سجع را سرمایه اصلی کار خویش می‌ساخته‌اند و با آن سجع، دل‌ها را می‌ربوده‌اند و جان‌ها را به بند می‌کشیده‌اند، (محبتی، ۱۳۸۰: ۶۶)

سجع که در آیات قرآن بیشتر به اسم فاصله دیده می‌شود سبب انسجام یک متن می‌شود که خود انواعی دارد: سجع متوازی و مطرف و متوازن که به ترتیب از بهترین و بالاترین نوع سجع به ضعیف‌ترین نوع سجع نام برده شده است. در سوره مطفین دو نوع سجع (فاصله) قابل مشاهده است و این بدین معناست که خداوند هر جا که لازم باشد برای انسجام آیات با محتوای متفاوت از سجع قوی یا ضعیف استفاده می‌کند.

سجع متوازی به سجعی گفته می‌شود که آن دو کلمه مورد نظر، هم از نظر وزن و هم از نظر حرف پایانی و روی مثل هم باشند. در آیات ۴/۳/۲ «الَّذِينَ إِذَا أَكْتَالُوا عَلَى النَّاسِ يَسْتَوْفُونَ (۲) وَإِذَا كَالُوهُمْ أَوْ وُزَنُوهُمْ يُخْسِرُونَ (۳) أَلَا يَظُنُّ أُولَئِكَ أَنَّهُمْ مَبْعُوثُونَ» (۴) ^۱ و همانطور که کلمه «يَسْتَوْفُونَ» و «يُخْسِرُونَ» و «مَبْعُوثُونَ» در پایان این سه آیه هم از نظر وزن و هم از نظر حرف روی یعنی ون، دقیقاً

۱ ترجمه: که چون از مردم پیمان‌ه‌ست‌انند، تمام ست‌انند؛ و چون برای آنان پیمان‌ه‌ی‌ان یا وزن کنند، به ایشان کم دهند مگر آنان گمان نمی‌دارند که برانگیخته خواهند شد؟

یکسانند که این موضوع سبب آهنگین بودن کلام و در نهایت انسجام این آیات می شود. حال در پاره ای از موارد این سجع (فاصله) در چندین آیه آمده است و حرف روی و وزن آیات یکسان است که هر چقدر تعداد این آیات بیشتر باشد با وجود متفاوت بودن معنا و محتوا از انسجام بیشتر و بالاتری برخوردار و صوت نیز زیباتر می شود. مانند آیات «كَلَّا بَلْ رَانَ عَلَى قُلُوبِهِمْ مَا كَانُوا يَكْسِبُونَ» (۱۴) كَلَّا إِنَّهُمْ عَنْ رَبِّهِمْ يَوْمَئِذٍ لَمَحْجُوبُونَ (۱۵) و إِنَّ الَّذِينَ أَجْرَمُوا كَانُوا مِنَ الَّذِينَ آمَنُوا يَضْحَكُونَ (۲۹) وَإِذَا مَرُّوا بِهِمْ يَتَغَامَزُونَ (۳۰) وَ قَالِيَوْمَ الَّذِينَ آمَنُوا مِنَ الْكُفَّارِ يَضْحَكُونَ (۳۴) عَلَى الْأَرَائِكِ يَنْظُرُونَ (۳۵) هَلْ تُؤِيبُ الْكُفَّارَ مَا كَانُوا يَفْعَلُونَ» (۳۶) که در آن ها سجع وجود دارد.

سجع مطرف به سجعی گفته می شود که با وجود وزن متفاوت حروف روی آنها یکسان است. این نوع سجع از نظر قوی یا ضعیف بودن در مرتبه وسط قرار دارد و به آن سجع معطوف نیز می گویند. در آیه «يَوْمَ يَقُومُ النَّاسُ لِرَبِّ الْعَالَمِينَ» (۶) كَلَّا إِنَّ كِتَابَ الْفُجَارِ لَفِي سَجِّينِ (۷) و همچنین آیات وَيَلُّ يَوْمَئِذٍ لِلْمُكَذِّبِينَ (۱۰) الَّذِينَ يُكَذِّبُونَ بِيَوْمِ الدِّينِ (۱۱) و تَعْرِفُ فِي وُجُوهِهِمْ نَضْرَةَ النَّعِيمِ (۲۴) يُسْقُونَ مِنْ رَحِيْقٍ مَخْتُومٍ (۲۵)^۶ این نوع سجع به کار رفته است که هر چند نسبت به سجع متوازی از انسجام کمتری برخوردار است، ولی باز هم سبب آهنگین نمودن کلام و در عین حال انسجام آیات است. حال در آیاتی دیگر در چندین آیه پشت سر هم این سجع به کار رفته است و سبب انسجام در موارد بیشتری شده است که در زیر به این آیات اشاره می شود در این آیات کلمه پایانی (حرف روی) آنها یکسان اما وزن متفاوت است.

سجع متوازن به سجعی گفته می شود که دارای حرف روی متفاوت ولی وزن یکسانند که این نوع سجع در پایین ترین و ضعیف ترین نوع سجع قرار دارد و دارای انسجام خیلی کمی است. در این سوره از این نوع سجع هیچ استفاده ای نشده است و نشان دهنده این موضوع است که خداوند مکلف

۱ ترجمه: نه چنین است، بلکه آنچه مرتکب می شدند زنگار بر دل‌هایشان بسته است. زهی پندار، که آنان در آن روز، از پروردگارشان سخت محجوبند

۲ ترجمه: [آری، در دنیا] کسانی که گناه می کردند، آنان را که ایمان آورده بودند به ریشخند می گرفتند. و چون بر ایشان می گذشتند، اشارهٔ چشم و ابرو با هم رد و بدل می کردند

۳ ترجمه: و [الی] امروز، مؤمنانند که بر کافران خنده می زنند. بر تختها [ای خود نشسته]، نظاره می کنند. [تا ببینند] آیا کافران به پاداش آنچه می کردند رسیده اند؟

۴ ترجمه: روزی که مردم در برابر پروردگار جهانیان به پای ایستند. نه چنین است [که می پندارند]، که کارنامهٔ بدکاران در «سَجِّينِ»: است

۶ ترجمه: وای بر تکذیب کنندگان در آن هنگام، آنان که روز جزا را دروغ می پندارند.

۷ ترجمه: از چهره هایشان طراوت نعمت [بهشت] را درمی یابی، از باده ای مَهرشده نوشانیده شوند

به آوردن فاصله نیست، چون بعضی از آیات بدون اینکه فاصله و سجعی در آن‌ها به کار رفته باشد خود دارای انسجام و تناسب با بقیه آیات هستند.

این سوره به طور عمومی مثل یک منظومه موسیقی برتر است که موسیقی‌وار و دارای نغمه است موسیقی در ساختار لفظی آن مانند ایقاع در فاصله های آیات است و همان‌طور که ایقاع در فواصل آیات وجود دارد در ساختار این سوره نیز موسیقی خاصی به چشم می‌خورد که این موسیقی مثل یک صفت عام در این سوره قابل ملاحظه است. قصد و غرض در برخی از موارد کاملاً واضح است که به لفظ می‌افزاید و یک قافیه‌ای را انتخاب می‌کند و این کار برای درستی و تنظیم دقت ایقاع و موسیقی متن است.

آوای حروف

آوا یک پاره صوتی است که از مجموعه‌ای از مختصات صوتی تشکیل شده و بخشی از زنجیره گفتار را تشکیل می‌دهد و قابل تقطیع به اجزای کوچک تر نیست. (یارمحمدی، ۱۳۹۴: ۹) آواها امواج قابل حسی هستند که در فضا حرکت می‌کنند و بعد از اندکی از بین می‌روند و قسمتی از آن‌ها بسته به شدت نوسان در گوش باقی می‌مانند و دلالت‌هایی از جمله شادی، اندوه، نهی، امر و ... را به همراه دارند. (علی صغیر، ۲۰۰۰م: ۱۴)

با توجه به اینکه حروف قرآن کریم همان حروف زبان عربی اند و در عین حال صوت و یا آوا در دلالت بر معنا دخیل است، نغمه ناشی از تکرار حروف از دیگر عوامل زیبایی ساختار موسیقایی در آیات است، البته قابل توجه است که فاصله میان حروف باید به گونه ای باشد که ذهن، تکرار را دریابد. تکرار حروف سایشی، مانند: «س»، «ش»، «ز»، «ف» محسوس‌تر از حروف انسدادی، مانند: «ب»، «ت»، «ک» و غیره است. از طرفی بعضی از حروف خوش‌تر از بعضی دیگر است، مثلاً مصوت‌های بلند کاملاً موسیقایی و خوش‌آهنگ هستند. (وحیدیان کامیار، ۱۳۹۰: ۲۲)

در سوره مطففین نیز این مطلب نمایان است که با تکرار زیاد حرف الف مدی (ون-ین) در ۳۶آیه این سوره آن هم در قسمت آخر آیات (فاصله) علاوه بر آهنگین نمودن سوره و ارتباط اجزای متن به یکدیگر سبب القای معنا که همان قیامت و فضای سنگین و پر استرس و در حال فشار آن و در عین حال گذر کند زمان است، می‌شود. چون این حرف همان صحنه قیامت را که برای افراد بسیار سخت و طاقت فرسا است، به تصویر می‌کشد.

سطح ترکیبی

سطح نحوی یا سبک شناسی جمله، از دیگر سطوح زبانی است که در آن متن از لحاظ ساختار جملات از جمله کوتاه و بلندبودن جملات، نوع جملات از جمله اسمیه یا فعلیه بودن، وجهیت فعل، تقدیم و تأخیر، حذف و ... پرداخته می شود. (خلیل، ۲۰۱۴م: ۳۲۸)

ترکیب عبارت این گونه شکل می گیرد که کاتب با متکلم بین کلمات و عبارات هماهنگی و تنسيق ایجاد می کند و آنها را بر اساس قوانین نحو و یا انتخاب ادوات تعبیر و بیان، در کنار هم چیند تا آنجا که شکل فنی آن - که هدف از آن ایجاد توافق بین معانی است - فرجام یابد. سبک شناسی در سطح ترکیبی کمک می کند تا سبک یک نویسنده از نویسنده‌ای دیگر باز شناخته شود، در این سطح به مواردی چون نکره و معرفه، تکرار کلمات استفهام، ضمیر، صیغه های جمع و مفرد ... و نیز دلالت بلاغی آنها پرداخته می شود. (جمعه، ۲۰۰۸: ۱۴۹)

مرجع ضمیرها

یکی از مباحث مهم ادبی قرآن، مرجع ضمیر است یعنی ضمیر باید مرجعی داشته باشد که به آن مرجع برگردد، و آن مرجع باید آشکار و هماهنگ و پیش از ضمیر آمده باشد؛ در سوره مطفین نیز نمونه هایی از مرجع ضمیر دیده می شود برای مثال در آیات «الَّذِينَ إِذَا أَكْتَالُوا عَلَى النَّاسِ يَسْتَوْفُونَ»^۱ و «أَلَا يَظُنُّ أُولَئِكَ أَنَّهُمْ مَبْعُوثُونَ»^۲ و «إِذَا تَتَلَىٰ عَلَيْهِ آيَاتُنَا قَالَ أَسَاطِيرُ الْأُولِينَ»^۳ و «كَلَّا إِنَّهُمْ عَنْ رَبِّهِمْ يَوْمَئِذٍ لَمَحْجُوبُونَ»^۴ و «ثُمَّ إِنَّهُمْ لَصَالُوا الْجَحِيمِ»^۵ مرجع ضمیر به «مطفین» باز می گردد و در آیه «وَمَا يَكْدِبُ بِهِ إِلَّا كُلُّ مُعْتَدٍ أَثِيمٍ»^۶ مرجع ضمیر به «یوم الدین» و در آیه «يَشْهَدُهُ الْمُقَرَّبُونَ»^۷ مرجع ضمیر به «علیون» و در آیه «تَعْرِفُ فِي وُجُوهِهِمْ نَضْرَةَ النَّعِيمِ»^۸ مرجع ضمیر به «الابرار» باز می گردد.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

۱ ترجمه: که چون از مردم پیمانہ ستانند، تمام ستانند؛

۲ ترجمه: مگر آنان گمان نمی دارند که برانگیخته خواهند شد؟

۳ همان که] چون آیات ما بر او خوانده شود، گوید: «[اینها] افسانه های پیشینیان است»

۴ زهی پندار، که آنان در آن روز، از پروردگارشان سخت محجوبند

۵ آن گاه به یقین، آنان به جهنم درآیند

۶ و جز هر تجاوزپیشه گناهکاری آن را به دروغ نمی گیرد

۷ مقربان آن را مشاهده خواهند کرد

۸ از چهره هایشان طراوت نعمت [بهشت] را درمی یابی

تقدیم و تأخیر

بحث تقدیم و تأخیر که در علم معانی بررسی می شود، اهمیت ویژه‌ای در سبک‌شناسی دارد. اهمیت این امر از این روست که عدول از هنجارهایی که تابع زبان است، نوعی تلنگر هنری است که خالق آن اثر آن را به خواننده القا می کند. (عبدالمطلب، ۱۹۹۴م: ۲۷۱ - ۲۷۲)

همچنین تقدیم و تأخیر از اسلوب‌های معانی قرآن، و گاهی یکی از اسباب اجمال به شمار می رود. در قرآن کریم برخی الفاظ، مقدم یا مؤخر از جایگاه خویش در آیات آورده شده‌اند. این کار علاوه بر این که اصولی و کاملاً نظام مند است و بر اعجاز بیانی قرآن کریم دلالت دارد، بر زیبایی اسلوب و شیوایی تعبیر و حسن سبک نیز می‌افزاید.

به طور کلی می توان گفت که تقدیم و تأخیر عبارت از این است که نویسنده به منظور خاصی یک جابجایی در متن انجام می‌دهد حال این اتفاق در آیات قرآن ممکن است به خاطر زیبایی موسیقی و حفظ و رعایت فواصل باشد و یا ممکن است غرض معنوی و کاربردی داشته باشد یا هر دو.

از نمونه های بارز تقدیم و تأخیر در سوره مطففین می توان به موارد زیر اشاره کرد:

افعال منفی

در اصطلاح نحو، "نفی" عبارت است از انکار کردن جمله با ادات مخصوص و ادات نفی حروفی هستند که این معنا را افاده می‌دهند. این حروف قبل از جمله واقع شده و عبارت‌اند از: "لَمْ"، "لَمَّا"، "لَنْ"، "لَا"، "مَا"، "إِنَّ" و "لَا تَ". (صفائی بوشهری، ۱۳۸۶، ص ۳۲۵)

در سوره مطففین یک فعل منفی وجود دارد که به صورت حرف نفی با فعل ماضی آمده است: «در آیه ی ۳۳ این سوره مبارکه «وَمَا أَرْسَلُوا عَلَيْهِمْ حَافِظِينَ» فعل ماضی منفی آمده است یعنی خدای تعالی این مجرمین را نفرستاده تا مؤمنین را حفظ نموده، هر چه در باره آنان داوری کردند بپذیرد.» (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۲۰ / ۳۹۵)

مبحث حروف عطف

مبحث حروف در زبان عربی، یکی از مباحث مهم و اصلی برای فهم این زبان است. حروف ربط میان کلمات و اجزاء جمله را برقرار و ترکیبات گوناگون کلامی می سازد. نظر دانشمندان نحو در مورد حرف «ثم» متفاوت است. گروهی اولین و اصلی ترین دلالت «ثم» را تراخی با فاصله زمانی می‌دانند. (زجاج، ۱۹۹۸م: ۱ / ۱۰۵، ابن جنی، ۲۰۱۰م: ۲۵) گروهی دیگر با مقایسه میان حرفا «فاء» و «ثم» مفهوم ترتیب را معنای مشترک آن دو ذکر کرده اند و معنای تراخی یا فاصله زمانی

را به عنوان معنای خاص حرف «ثمّ» معرفی کرده‌اند که همین تعریف آن را از دیگر حروف جدا می‌سازد. (زمخشری، ۱۹۹۳م: ۱۲۹، ابن‌الحاجب، ۱۴۳۱هـ: ۵۳) گروهی مثل سیبویه و ابن هشام برای «ثمّ» سه دلالت و معنا تعریف کرده‌اند: تشریک و ترتیب و تراخی. سیبویه مهم‌ترین معنایی که برای «ثمّ» بیان می‌کند، تشریک یا مشارکت همراه با ترتیب و فاصله زمانی میان معطوف‌علیه و معطوف است؛ یعنی دلالت‌های سه‌گانه «ثمّ» را در یک مفهوم جمع کرده است. ظاهراً از نظر او تشریک، اصلی‌ترین معنای حروف عطف به طور کلی و حرف «ثمّ» به طور خاص است؛ معنایی که میان «واو» و «فاء» و «حتی» نیز یکسان به شمار می‌رود. او درباره تشریک میان معطوف و معطوف‌علیه با حرف وفاء معتقد است: این مشارکت در حکم و اعراب صورت گرفته است. مشارکت در حکم یعنی «فاء» نشان می‌دهد معطوف با معطوف‌علیه در معنای مورد نظر مشارکت دارد که همان حکم است. مثلاً زمانی که گفته می‌شود: حضر الأستاذ فطالب، «فاء» نشان‌دهنده این است که «الطالب» با «الأستاذ» در وقوع حکم یعنی حضور، مشارکت دارد و مشارکت در اعراب بدین معنی است که معطوف و معطوف‌علیه در حرکت اعرابی مشارکت دارد؛ بنابراین «الطالب» از حرکت اعرابی «الأستاذ» تبعیت می‌کند؛ اما مشارکت در «ثمّ» برای اعراب است نه حکم؛ یعنی معطوف پس از «ثمّ» فقط از حرکت اعرابی معطوف‌علیه تبعیت می‌کند؛ از این رو سیبویه می‌گوید: «در جمله مررت برجل ثم امرأة دو بار مرور اتفاق افتاده است»؛ اما در دیگر حروف عطف مانند «فاء» مرور یک بار اتفاق افتاده است. (سیبویه، ۱۹۹۸م: ۴۳۸/۱)

با توجه به نظریه سیبویه حروف عطف در سوره مطفین بررسی می‌شود:

حرف «ثمّ»

حرف «ثمّ» از حروف پرکاربرد در میان حروف عطف عربی است که ۳۳۸ مرتبه در قرآن کریم به کار رفته است. برای مثال ثم در دو آیهی **ثُمَّ إِنَّهُمْ لَصَالُو الْجَحِيمِ (۱۶)** و **وَتَمَّ يُقَالُ هَذَا الَّذِي كُنْتُمْ بِهِ تُكَذِّبُونَ^۱ (۱۷)** اشاره به ورود بی‌تردید بدکاران به جهنم و سرزنش مامور دوزخیان نسبت به آنان دارد.

حرف فاء

یکی از حروف عربی حرف فاء است که دارای معانی مختلفی است برای مثال فاء در آیهی **«فَالْيَوْمَ الَّذِينَ آمَنُوا مِنَ الْكُفَّارِ يَضْحَكُونَ» (۳۴)** که مربوط به خندیدن مؤمنان به گناهکاران در روز قیامت،

۱ ترجمه: آن‌گاه به یقین، آنان به جهنم درآیند. سپس [به ایشان] گفته خواهد شد: «این همان است که آن‌را به دروغ می‌گرفتید»

۲ ترجمه: و [الی] امروز، مؤمنانند که بر کافران خنده می‌زنند

نیکی و فضیلت است، زیرا تحقیر دشمنان خدا می‌باشد، اما خندیدن گناهکاران به مؤمنان در دنیا، گناه بزرگی است، زیرا تحقیر و توهین به دوستان خداوند می‌باشد.» (مغنیه، ۱۳۷۸: ۸ / ۶۹)

استفهام

استفهام، مصدر باب استفعال از ماده فِهَمَ، «استفهم فلانا، سأله أن يفهمه. و عن كذا، طلب أن يفهمه» (موسی، ۱۴۱۰ هـ: ۲۱۰/۱) استفهام از مهمترین اسالیب انشایی است و به معنای «طلب و درخواست فهمیدن صورت شیء در ذهن است.» (التفتازانی، ۱۴۱۶ هـ: ۱۳۱) ادوات استفهام عبارتند از: همزه، هل، ما، من، متی، آیا، این، کیف، آنی، کم، آی (العاکوب و الشتیوی، ۱۹۹۳: ۲۶۳/۱) در سوره مطفین نیز در دو آیه وَمَا أُذْرَاكَ مَا سَجِّينَ^۱ و وَمَا أُذْرَاكَ مَا عَلِيُونَ^۲ استفهام به چشم می‌خورد.

واژه سجین، صیغه مبالغه از ماده «سجن» به معنای زندان است که برای شدیدتر نمودن معنایش به آن حرف یاء اضافه شده است. (راغب اصفهانی ۱۴۱۲: ص ۳۹۹. ماده «سجن»)) سجین را وادی ای در جهنم (ابن منظور، بی تا: ۲۰۳ / ۱۳. ماده «سجن»)) یا نام دیگر برای آن (راغب اصفهانی، همان) دانسته اند. آیت الله مکارم معتقد است که «منظور از "سجین" کتاب جامعی است که نامه اعمال همه انسانها به طور مجموعی در آن گرد آوری شده، و به تعبیر ساده مانند دفتر کلی است که حساب هر یک از بستانکاران و بدهکاران را در صفحه مستقلی در آن ثبت می‌کنند، منتها از این آیات و آیات بعد استفاده می‌شود که اع مال همه بدهکاران در یک کتاب بنام "سجین" و اعمال همه نیکوکاران و ابرار در یک کتاب دیگر بنام "علیین" جمع آوری می‌شود. "سجین" از ماده "سجن" به معنی "زندان و حبس" گرفته شده، و معانی مختلفی دارد: زندان سخت و شدید، هر موجود صلب و محکم، وادی بسیار هولناکی در قعر جهنم، محلی که نامه‌های اعمال بدهکاران در آنجا گذارده می‌شود و آتش دوزخ.» (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱: ۲۶ / ۲۵۴)

سطح بلاغی

در سطح بلاغی سه بخش، قصر تضاد و تکرار بررسی می‌شود.

قصر

قصر در اصطلاح فن بلاغت عبارت است از: حبس صفت در موصوف یا حبس موصوف در صفت است که منظور از صفت، نعت (از توابع پنجگانه) نیست، بلکه «حالت یا عمل و فعلی است که به

۱ ترجمه: و تو چه دانی که «سَجِّينَ» چیست؟

۲ ترجمه: و تو چه دانی که «عَلِيُونَ» چیست؟

کسی یا چیزی اسناد داده شده است» و یا از آن سلب می‌گردد و شامل حصر فعل در فاعل، خبر در مبتدا، صفت در موصوف و ... است. (نصیریان، ۱۳۸۶: ۱۰۰) در این سوره نمونه ای از قصر دیده می‌شود برای مثال علامه طباطبایی درباره آیه ۲۹ «فَالْيَوْمَ الَّذِينَ آمَنُوا مِنَ الْكُفَّارِ يَضْحَكُونَ» معتقد است که قصر اتفاق افتاده ایشان می‌فرماید: منظور از «یوم» در این آیه روز جزا است، و اگر در این آیه مجرمین در آیه قبل را کفار خوانده، خواسته است به حقیقت حال آنان رجوع کرده باشد. بعضی گفته‌اند: اگر نفرموده: "يَضْحَكُونَ مِنَ الْكُفَّارِ" و جمله "مِنَ الْكُفَّارِ" را جلوتر آورد، برای این بود که به اصطلاح ادبیات، قصر قلب کرده باشد، و معنای آن این شود: "پس امروز کسانی که ایمان آوردند به کفار می‌خندند، نه اینکه کفار به مؤمنین بخندند هم چنان که در دنیا می‌خندیدند." (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۲۰/۳۹۶)

تضاد

تضاد، از صنایع معنوی در علم بدیع می‌باشد. این صنعت را طباق، مطابقه، تطبیق و تکافو نیز نامیده‌اند. (خطیب قزوینی، بی‌تا، ۳۴۸/۱؛ تفتازانی، ۱۳۷۴: ۳۳۰/۱؛ تهانوی، ۱۸۶۲: ۱/۹۱۷) در قرآن کریم نیز صنعت تضاد به کار رفته است؛ و برخی از نویسندگان علوم قرآنی درباره تضاد و حدود و اقسام آن بحث کرده‌اند. (باقلانی، ۱۹۷۷: ۸۰/۱-۸۳) در سوره مطففین تضادهایی به کار رفته است که در اینجا به چند مورد اشاره می‌شود: برای مثال تضاد میان «فَجَارٍ وَابْرَارٍ» در آیات كَلَّا إِنَّ كِتَابَ الْفُجَارِ لَفِي سَجِينٍ (۷) ۱ كَلَّا إِنَّ كِتَابَ الْأَبْرَارِ لَفِي عَلِيَيْنَ (۸) ۲ و همچنین تضاد میان عبارت «وَأِنَّ الَّذِينَ أَجْرَمُوا كَانُوا مِنَ الَّذِينَ آمَنُوا يَضْحَكُونَ» (۲۹) ۳

تکرار

تکرار در زبان عربی یک کارکرد زبان‌شناسی دارد که همان انسجام واژگانی و کارکرد بلاغی تکرار است. انسجام واژگانی برای اهداف متنی به کار می‌رود. برای این اسلوب، فواید متعددی چون تأکید معنا، تعظیم، تعجب، خوف، نسیان، تهدید و ... بیان شده‌است. (سیوطی، ۱۴۲۱ هـ ۲/۱۰۷) در سوره مطففین هم در آیات ۷ و ۸ و کلمه ی «سجین» و در آیه ۱۸ و ۱۹ کلمه ی «علیین» و در آیه ۲۲ و ۲۴ «نعیم» و در آیه ۲۹ و ۳۴ «یضحکون» تکرار شده است.

۱ ترجمه: نه چنین است [که می‌پندارند]، که کارنامه بدکاران در «سجین» است

۲ ترجمه: نه چنین است، در حقیقت، کتاب نیکان در «علیین» است

۳ ترجمه: [آری، در دنیا] کسانی که گناه می‌کردند، آنان را که ایمان آورده بودند به ریشخند می‌گرفتند.

نتیجه‌گیری

با تلاش‌هایی که در سبک‌شناسی سوره مطفین در سه سطح آوایی و ترکیبی و بلاغی صورت گرفت؛ نتایج زیر حاصل آمد:

در سطح آوایی سوره مطفین به بررسی موسیقی سوره پرداخته شد. کاربرد صنایع بدیعی مثل سجع در پایان ۲۷ آیه از ۳۶ آیه این سوره و آوای حروف که در این سوره بیشتر به حرف نون ختم می‌شود و هماهنگی و تناسب خاصی با معانی و محتوای آیات دارد و این کار برای درستی و تنظیم دقت ایقاع و موسیقی متن است.

در سطح ترکیبی باید گفت که تقدیم‌ها و تأخیرهای موجود در آیات و افعال منفی به کار برده شده در سوره دارای اغراض و اهداف خاصی هستند؛ مثلاً در آیه ی ۳۳ این سوره مبارکه « وَمَا أَرْسَلُوا عَلَيْهِمْ حَافِظِينَ » فعل ماضی منفی خدای تعالی این مجرمین را نفرستاده تا مؤمنین را حفظ نموده، هر چه در باره آنان داوری کردند بپذیرد.

در سطح بلاغی نیز، این سوره دارای اسلوب حصر و برخی تضادها است برای مثال در آیه «فَالْيَوْمَ الَّذِينَ آمَنُوا مِنَ الْكُفَّارِ يَضْحَكُونَ» عبارت «مِنَ الْكُفَّارِ» حصر است همچنین عبارتهایی چون ابرار و فجار نشان دهنده تضاد است.

منابع

- قرآن کریم، ترجمه فولادوند.
- ابن منظور، محمد بن مكرم. (بدون تاریخ). لسان العرب. ۱۵ ج. بیروت - لبنان: دار الفكر للطباعة و النشر و التوزيع.
- باقلانی، محمد بن طیب (۱۹۷۷)، اعجاز القرآن، چاپ احمد صقر، قاهره.
- بهار، محمدتقی؛ (۱۳۴۹) سبک‌شناسی نثر، تهران، پرستو و امیرکبیر، چاپ سوم،
- تفتازانی، سعدالدین (۱۴۱۶هـ): «مختصر المعانی»، دارالفکر، چاپ دوم.
- تفتازانی، مسعود بن عمر، (۱۳۷۴) کتاب المطول فی شرح تلخیص المفتاح، چاپ سنگی (تبریز ۱۳۱۰)، چاپ افست تهران.
- تهانوی، محمداعلی بن علی، (۱۸۶۲) کتاب کشف اصطلاحات الفنون، چاپ محمد وجیه و دیگران، کلکته، چاپ افست تهران ۱۹۶۷.
- جمعه، عدنان عبدالکریم (۲۰۰۸م): «اللغة فی الدرس البلاغی»، لندن: دارالسیاب، چاپ اول.
- خامه‌گر، محمد، (۱۳۹۲ش) ساختار سوره‌های قرآن کریم، تهیه مؤسسه فرهنگی قرآن و عترت نورالثقلین، قم، نشر نشر، چ ۱.

- خرمشاهی بهاء‌الدین (۱۳۷۷ش) دانشنامه قرآن و قرآن پژوهی، ج ۲، تهران، دوستان-ناهیید.
- خطیب قزوینی، محمد بن عبدالرحمان، (بی تا) الايضاح فی علوم البلاغة: المعانی و البیان و البديع، بیروت: دارالکتب العلمیة.
- خلیل، محمد ابراهیم (۲۰۱۴م): «مدخل الدراسة الشعر العربي الحديث»، عمان: دار المسيرة للنشر و التوزيع و الطباع، الطبعة السادسة.
- دیانتی، محمد (۱۳۷۵): «پیش درآمدی بر سبک‌شناسی قرآن»، نشریه علوم و معارف قرآنی، شماره ۲، صص ۱۱۷-۱۳۵.
- الرافعی، مصطفی صادق (۱۹۹۷م): «اعجاز القرآن و البلاغة النبویة»، القاهرة: دار المنار، چاپ اول.
- زجاج، ابراهیم بن السری (۱۹۹۸م): «اعراب القرآن»، بیروت: عالم الكتاب.
- زمخشری، ابوالقاسم محمود بن عمر (۱۹۹۳م): «المفصل فی صنعة الاعراب»، بیروت: مكتبة الهلال.
- سیبویه، ابو عمرو بن عثمان (۱۹۹۸م): تصحیح: عبد السلام محمد هارون، القاهرة: مكتبة الخانجي.
- سیوطی، جلال‌الدین (۱۴۲۱هـ): «الاتقان فی علوم القرآن»، بیروت: دارالکتب العربی.
- صفایی بوشهری، غلامعلی، (۱۳۸۶ش) «بداة النحو»، مرکز التخطيط و إعداد مناهج الدرسيه (مرکز تدوین متون درسی حوزوی)، قم، چاپ دوم.
- طباطبایی، محمدحسین، (۱۳۷۴)، «ترجمه تفسیر المیزان»، ۲۰ جلد، جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، دفتر انتشارات اسلامی - ایران - قم.
- طبرسی، فضل بن حسن، (۱۳۷۲ش) مجمع البیان فی تفسیر القرآن، با مقدمه محمدجواد بلاغی، تهران، انتشارات ناصر خسرو، چاپ سوم.
- العاکوب، عیسی علی؛ الشتیوی، علی سعد (۱۹۹۳م): «الكافی فی علوم البلاغیه العربیه»، المعانی البیان و البديع، جامعه المفتوحه.
- عبدالمطلب، محمد (۱۹۹۴م): «البلاغة و الاسلوبیة»، لبنان، بیروت: مكتبة لبنان ناشرون، الطبعة الاولى.
- علی الصغیر، محمد حسین (۲۰۰۰م): «الصوت اللغوی فی القرآن»، بیروت: دار المؤرخ العربی.
- غیائی، محمد تقی (۱۳۷۳): «سیر تحول سبک‌شناسی»، فصلنامه پژوهش ادبیات معاصر جهان، ش ۱.
- فتوحی، محمود (۱۳۹۱): «سبک‌شناسی قرآن کریم»، ترجمه پرویز آزادی، تهران: انتشارات سخن.
- فضل، صلاح (۱۹۹۸م): «علم الاسلوب مبادئه و اجراءاته»، قاهره دار الشروق، الطبعة الاولى.
- الکواز، محمد کریم (۱۳۸۶): «سبک‌شناسی اعجاز بلاغی قرآن»، ترجمه سید حسن سیدی، تهران: انتشارات سخن.
- محبتی، مهدی (۱۳۸۰): «بديع نو (هنر ساخت و آرایش سخن)»، تهران: سخن.

محبوب، محمدجعفر؛ (بی نا) تاریخ مقدمه: سبک خراسانی در شعر فارسی، تهران، فردوسی و جامی، چاپ اول.

محمدی، حمید(۱۳۸۹): «آشنایی با علوم بلاغی»، قم: انتشارات دارالعلم.
معرفت، محمدهادی، (۱۳۷۱ش) آموزش علوم قرآن، [ابی جا]، مرکز چاپ و نشر سازمان تبلیغات اسلامی، چاپ اول.

مغنیه، محمدجواد، (۱۳۷۸)، «ترجمه تفسیر کاشف»، ۸ جلد، بوستان کتاب قم (انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم) - ایران - قم.

مکارم شیرازی، ناصر، (۱۳۷۱)، تفسیر نمونه، ۲۸ جلد، دار الکتب الإسلامیة - ایران - تهران، چاپ: ۱۰.
موسی، حسن یوسف (۱۴۱۰هـ): «الإفصاح فی فقه اللغه»، قم: مکتب الإعلام الإسلامی، چاپ چهارم.
المیدانی، عبدالرحمن حسن (۱۹۹۶م): «البلاغه العربیه أسسها و علومها و فنونها»، دمشق: دارالقلم، چاپ چهارم.

نصیریان، یدالله (۱۳۸۶): «علوم بلاغت و اعجاز قرآن»، تهران: انتشارات سمت.
هاشمی، احمد (۱۳۸۹): «جواهر البلاغه»، ترجمه و شرح حسن عرفان، قم: نشر بلاغت، چاپ ۱۱.
وحیدیان، کامیار، تقی (۱۳۹۰): «بدیع از دیدگاه زیباشناسی»، تهران، سمت.
یار محمدی، لطف الله (۱۳۶۴ش): «درآمدی بر آواشناسی»، تهران: نشر دانشگاهی.

COPYRIGHTS

© 2023 by the authors. Licensee Islamic Azad University Jiroft Branch. This article is an open access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution 4.0 International (CC BY 4.0) (<https://creativecommons.org/licenses/by/4.0/>)

ارجاع: نبوی سیدمجید، آزاددل سمیه، قربانی مهسا، بررسی سبک شناسی سوره مطفقین بر اساس سه سطح آوایی، ترکیبی و بلاغی، فصلنامه مطالعات قرآنی، دوره ۱۴، شماره ۵۴، تابستان ۱۴۰۲، صفحات ۱۸-۱.